



حدود ۱۳۰-۱۲۰ هزار هکتار از اراضی مستعد پنبه‌خیز آن جزو این اراضی بلا تکلیف است و می‌دانیم که هشتاد الی نود درصد از پنبه کل کشور در این منطقه تولید می‌شود، اگر تکلیف این زمینها که در گذشته زیر کشت پنبه می‌رفته است مشخص نشود، حساب کنید چه اثری بر تولید پنبه و دانه‌های روغنی و تولیدات اساسی ما خواهد گذاشت و بالتجربه چه تأثیراتی بر کارخانجات ریسنده‌گی، روغنکش و امثال آنها خواهد داشت. وقتی مجموعه این صحبتها را در کنار یکدیگر بگذاریم به این نتیجه می‌رسیم که زمین در اقتصاد و کشاورزی ما تأثیر بسزائی دارد.

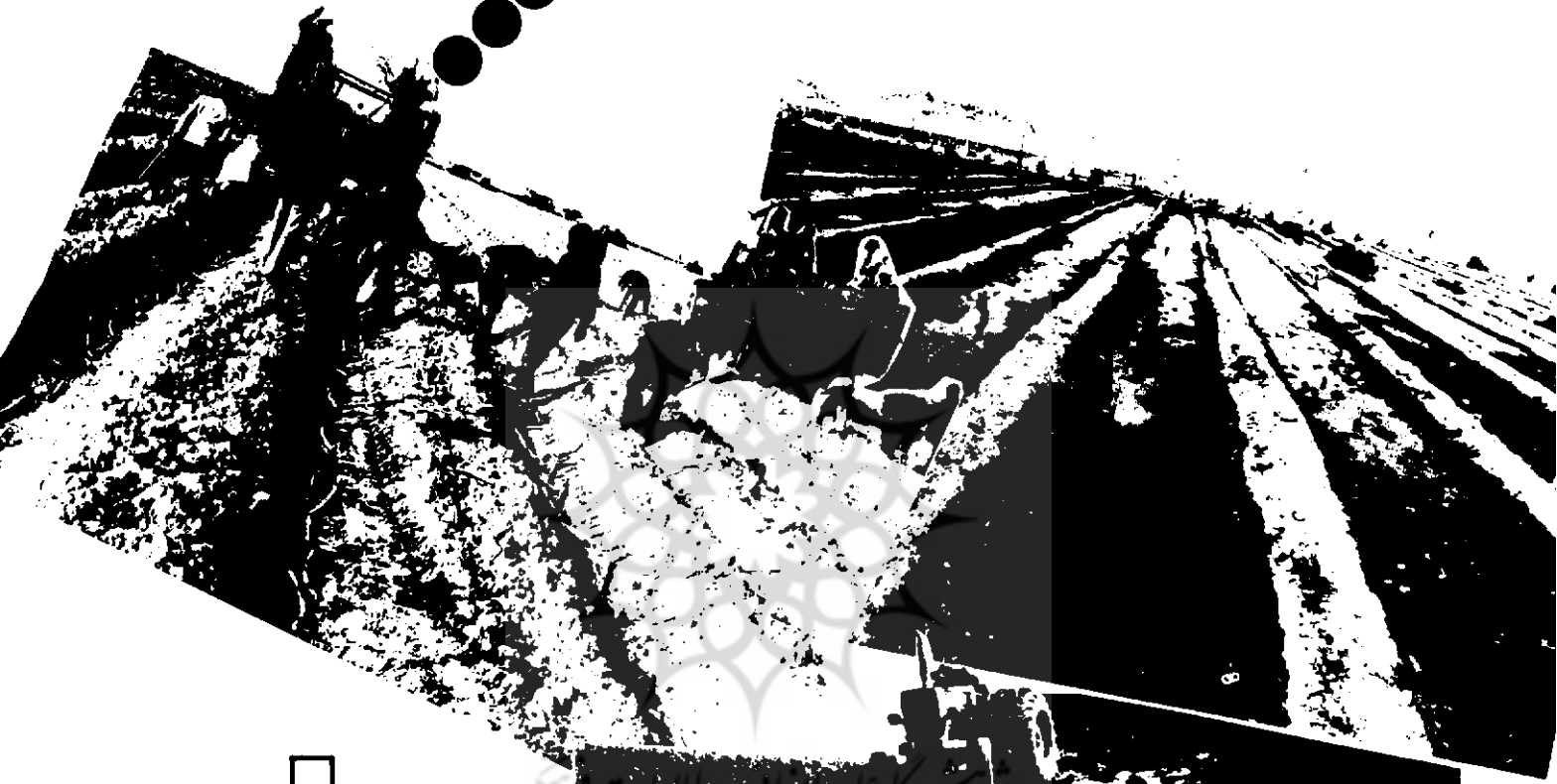
س: آیا با حل شدن مسئله زمین مسائل کشاورزی جمهوری اسلامی حل خواهد شد یا خیر؟ اگر قابل حل است به چه میزان از مشکلات موجود را برطرف می‌سازد و چه مقدار به خود کفائی کشاورزی کمک می‌کند؟ ج: مامعتقد نیستیم که اگر مسئله زمین حل شود مسائل کشاورزی نیز حل خواهد شد، بلکه مسائل کشاورزی به یکسری پارامترهای مختلفی مرتبط است که با حل آنها می‌توان کل مسائل کشاورزی را حل شده تلقی کرد. ولی معتقدیم که حل مسئله زمین نقش بسزائی دارد و می‌تواند مسیر ما را روشن کند و شاید نقطه آغاز مسائل نیز از اینجا باشد.

دسته‌ها و سازمانهای مختلف در می‌آوردند، می‌توانیم نام ببریم. بنابراین این مسئله سیاسی که قبلاً بدانصورت بود، هم‌اکنون آن وضعیت و شکل و سازمان هرچند غلط و غیر قابل قبول برای جمهوری اسلامی از هم پاشیده است و ما بایستی برای سازماندهی جدید، تکلیف آنرا از هر جهت روشن کنیم. در حال حاضر در حدود ۸۰۰ هزار هکتار زمین کشت موقت می‌باشد، بدین معنا که زارعین مالک آن مزارع نیستند و روشن شدن آن منوط به تصمیم‌گیری مجلس شورای اسلامی است که طبق نظرات حضرت امام روحی‌له‌الفداه و بقیه قضیه بدان موکول شده است.

هشتصد هزار هکتار زمین کشت موقت (که در حدود ۲۰۰ هزار خانوار بر روی آن کسار می‌کنند) با مسئله مالکیت روبرو است و اگر مسئله زمینها روشن نشود، خانوارها سرگردان خواهند بود. اگر قرار است قراردادی، اجارهای، مضاربه‌ای منعقد شود، اگر قرار است وامی، امکاناتی، نهاده‌هایی به این زمینها تعلق گیرد، باید از یک طریق و کانال مشخصی داده شود و همین یک مثال برای اینکه ثابت شود زمین نقش دارد کافی است. یک قلم عمده از این ۸۰۰ هزار هکتار مربوط به منطقه گنبد و گرگان می‌باشد که در

س: در مجموع مسائل اقتصادی و بخصوص کشاورزی آیا اصولاً زمین نقشی دارد یا خیر؟ ج: در ارتباط با مسئله زمین و نقش آن در کشاورزی و اقتصاد باید مطالب مختلفی را در نظر گرفت، البته ما به بعضی از نظریات اقتصادی که عنوان شده است، حتی به نظریات سالها و قرنهای قبل و جدید کاری نداریم و مسائل اقتصادی و مشکلات خودمان را مورد بررسی قرار می‌دهیم، زمین در مجموع مسائل اقتصادی و بخصوص کشاورزی دارای نقشی اساسی است و این بدان معنا نیست که اگر مسئله زمین حل شد مسائل کشاورزی حل می‌شود. بلکه وقتی که می‌گوئیم نقش اساسی دارد منظور این است که تکلیف مالکیت زمین مشخص شود و بسیاری از کارهای معوق که نمی‌توان برایشان برنامه‌ریزی کرد، جهت گیرد و به سوئی برود که مورد نظر جمهوری اسلامی است. توجه دارید که زمین قبلاً بعنوان یک وسیله سیاسی و حاکمیت در مناطق مختلف بشمار می‌رفت، بطوری که بسیاری از افراد حتی در ارتباط با مرکز حکومت، بوسیله زمین سعی می‌کردند گروهها و اقشار جامعه روستائی را تحت سیطره و استثمار و استعمار خودشان قرار دهند که از جمله خوانین و مالکین بزرگ بودند که کشاورزان را بصورت گروهها و

# زمین



□ \* در حال حاضر در حدود ۸۰۰ هزار هکتار زمین زیر کشت موقت می باشد، بدین معنا که زارعین مالک آن مزارع نیستند و روشن شدن آن منوط به تصمیم گیری مجلس شورای اسلامی است.

□ \* در هشتصد هزار هکتار زمین کشت موقت که در حدود ۲۰۰ هزار خانوار بر روی آن کار می کنند با مسئله مالکیت روبرو است و اگر مسئله زمینها روشن نشود خانوارها سرگردان خواهند بود.

جهاد ۲۹

مقدمه:  
در روند بررسی مشکلات تولید محصولات کشاورزی، زمین را از دیدگاه خاصی مطرح و به کنکاش گذاشتیم و عوامل مختلفی را که بر مشکلی بنام زمین مترتب بود حتی الامکان مطرح نمودیم اما بخشی از زمینهای زراعی موجود، گذشته از آن تنگناهای اشاره شده ابعاد ویژه ای را دارا می باشند که خصوصاً بعد از پیروزی انقلاب اسلامی پیش آمده است و آن مسئله مالکیت اراضی ای است که صاحبان ظاهری آنها بعد از انقلاب یا به خارج از کشور رفته و یا متوازی شده اند که در حال حاضر حدود ۸۰۰ هزار هکتار آن بیشتر آبی هستند

در اختیار حدود یک میلیون نفر خانوار روستایی و کشاورز است که باتوجه به شرایط کمی و کیفی این اراضی به سهم خود می تواند نقش مؤثری در رفیع محرومیت روستائیان و کشاورزان داشته و از طرف دیگر بر تولید کل نیز اثر داشته باشد، لذا براین اساس بود که جهت بررسی اشکالات وارده بر این گونه اراضی با برادر شریف عضو شورای مرکزی هیئتهای هفت نفره مصاحبه ای ترتیب داده شد تا از نزدیک با آنچه که بر این بخش از زمین می گذرد نظری هر چند خلاصه افکننده باشیم. باشد تا انشاءالله در آشکار شدن اهمیت واقعیت زمین بطوریکه هست مؤثر واقع شود.



در جواب قسمت دوم سئوالتان نمی‌توان گفت چند درصد مسائل کشاورزی به زمین بستگی دارد ولی وقتی این مسئله حل شود می‌توان برنامه‌ریزی درجهت مکانیزاسیون، نهاده‌ها و کارهای اساسی و زیربنایی که می‌تواند نهایتاً ما را به خودکفائی برساند، انجام شود.

س: باتوجه به اینکه مقدار ۸۰۰ هزارهکتار از کل اراضی که بگفته شما وضعیتش مشخص نیست، این مقدار چه تاثیری در کاهش تولیدات می‌تواند داشته باشد؟

ج: قسمت عمده این ۸۰۰ هزارهکتار، جزواراضی آبی است و این درمقام مقایسه با کل اراضی آبی ما که رقمی حدود ۴ میلیون هکتار عنوان می‌شود رقم بزرگی است، باتوجه به اینکه قسمت عمده آن خورده مالکهای ۲۰-۳۰ هکتاری است بنابراین از یک طرف مقدارش مورد نظر است و از طرف دیگر مسائلی در ارتباط با مردم مطرح است. قبلاً ذکر کردم که ۲۰۰ هزارخانوار در ارتباط با این اراضی هستند که اگر ما هر خانواده‌ای را ۵ نفر در نظر بگیریم، چیزی در حدود یک میلیون نفر با این مسئله روبرو هستند، که باید به مسئله آنان رسیدگی کرد.

س: آیا مسائل این یک میلیون نفر با قطعه قطعه کردن زمینها و درعمل با پائین آوردن کیفیت زمین حل می‌شود یا با برنامه‌ریزی صحیح درجهت رسیدن به خودکفائی و در نتیجه رفع محرومیتها حل خواهد شد؟

ج: البته این درست است که اگر یک زمین یکپارچه بصورت قطعه قطعه دربیاید، مسائل و مشکلات زیادی را بوجود می‌آورد که می‌توان کاهش بازدهی، عدم امکان مکانیزاسیون و عملیات بهزرایی و غیره را در رابطه با آن نام برد و ما هیچ موقع نمی‌گوئیم که زمین را باید تکه تکه کرد، بلکه از مدافعان یکپارچگی مزارع و جلوگیری از قطعه قطعه شدنشان هستیم و

تا آنجائی که قانون و شرع اجازه دهد از تکه تکه شدن آن اراضی جلوگیری خواهیم کرد.

س: آیا شیوه کارمشاع بر روی زمین موفق بوده است یاخیر؟

ج: در رابطه با مشاع بهتر است برگردیم به گذشته و کشاورزی که کلاً در ایران وجود داشته است. شیوه کشاورزی که قبل از انقلاب مرسوم بود، تحت یک سازمان و یک برنامه‌ای بود که شاید در نهایت هم سطح تولیدات خیلی بالا

می‌نمود. در گذشته سازمانها در اشکال مختلف کار می‌کردند، گروهی مدیریت را بعهده داشتند و عده‌ای مباشر و احتمالاً افرادی با نامهای دیگر کارها را اداره می‌کردند. این مباشر با مالک و خان و ارباب در ارتباط بود. با شروع اصلاحات ارضی این شیوه و سازمان از هم پاشیده شد ولی چیزی جایگزین آن نشد. ما اکنون بعد از انقلاب بر سر یک دوراهی هستیم، یا اینکه آن شیوه رژیم گذشته را در قالب اصلاحات ارضی ادامه دهیم بدون اینکه سازمان و شیوه صحیح و نظام تولیدی و بهره‌برداری صحیحی را بکار بریم و یا اینکه خودمان بر اساس موازین شرعی یک شیوه‌ای جدید را بوجود بیاوریم و بر اساس آن عمل کنیم. مسلماً شکل اول مورد نظر هیچ کسی نبود که اساساً رد شد. چیز دیگری که می‌توانست در قالب شعائر جمهوری اسلامی بوجود بیاید، واحدهائی بود که بصورت جمعی اداره می‌شود که در سؤال شما شیوه کار مشاع ذکر شده است. این را باید متذکر شوم که در ابتدای امر و تشکیل هیئتها، یک آئین نامه‌ای تدوین شده بود که بر طبق آن تعاونیهای مشاع تشکیل شود و حتی در رابطه با شیوه کار هم مسائلی مطرح شده بود که بصورت مشاعی انجام شود، منتها بعد از مدتی با مطالعه بیشتر و تماس با افراد ذیصلاح به

این نتیجه رسیدیم که تعاونیها باید سر جای خودش باشد، مشاع ملکی وجود داشته باشد منتها کار هر کسی فقط بر روی زمین خودش صورت پذیرد و مشاعی نباشد، بنابراین روش قبل بدینصورت اصلاح شد و تجربیاتی که در این زمینه بدست آمد هیئتها و واگذاری زمین را بر آن داشت که بدین صورت عمل کنند که زمین، تراکتور، چاه آب و آن چیزهایی که در ارتباط با همه امت بصورت مشاع اداره می‌شود چرا که در یک تعاونی نمی‌توان به هر نفر یک تراکتور داد، یک حلقه چاه حفر کرد و... بنابراین قسمتهائی که قابل تفکیک نیستند بصورت مشاع است. در تعاونی مشاع کشت بصورت یکپارچه است، یعنی وقتی که می‌گوئیم تعاونی مشاعی ۱۵۰ هکتار زمین دارد، هفت نفر از آن که هفتاد هکتار زمین دارند گندم می‌کارند و زمین هر کسی هم مشخص است. وقتی کار شخصی شروع می‌شود هر کسی دنبال کار خود می‌رود منتها در موقعی که کمابین باید زمین را درو کند، دیگر نمی‌توان گفت که برای هر کسی یک کمابین در نظر بگیریم. در نتیجه محصول را هم هر کسی از روی زمین خودش برداشت می‌کند. نکات منفی این شیوه زمانی بود که ما عنایتی به کار شخصی نداشتیم و این حق هر کسی بود که بگوید اگر کسی در این مجموعه کم کار کرد، حق دیگران را خورده است. منتها شیوه‌ای که در حال حاضر اجرا می‌شود نکات مثبت بسیاری در بردارد. از جمله حق هر کسی محفوظ است، برنامه‌ریزی اقتصادی را بهتر می‌توان پیاده کرد، عملیات بهزرایی را توسعه داد و اقداماتی را انجام داد که تولید در هکتار به چند برابر فعلی خود برسد و از قطعه قطعه شدن زمین جلوگیری کرد و... البته شیوه‌های دیگری نیز در جاهائی که امکان تحقق شیوه مشاع نبود، انجام شد که بصورت فردی واگذار شده است. از ویژگیهای دیگر



مشاعها اینست که سابقاً بدون مطالعه چند نفر دور هم جمع می‌شدند و مشاعی را تشکیل می‌دادند و اکنون بر اساس تجربیاتمان کاری کرده‌ایم که دیگر عاملی سبب بهم خوردن مشاع بر اساس اختلاف نظرات نگردد پس افراد تعاونی مشاع را

از یک خانواده و از یک محل که قبلاً بینشان توافق بوجود می‌آید انتخاب می‌کنیم که بعداً یک واحد تعاونی مشاع را تشکیل می‌دهند و روی زمین کار می‌کنند. یک نکته اساسی که باعث عدم موفقیت مشاع در بعضی از نقاط بوده است، عدم ارائه خدمات مشاعی بوده است و مشاع نیازمند به رسیدگی دائمی و اصولاً نفس کشاورزی احتیاج به رسیدگی دائمی دارد تا رشد کند، در گذشته کمکهای بلاعوض کشاورزی یا کمکهای فنی و خدماتی در این زمینه نشده است. با مسئولین ذیربط در وزارت کشاورزی هم صحبت کرده‌ایم و بخصوص با جهاد که می‌تواند کمک بسیاری به ما بکند، سعی بر آنست هماهنگی‌های لازم را انجام دهیم چرا که واحدهای ترویجی و

هزینه‌های مربوط به کشت بتواند یک خانوار روستائی اعم از رئیس خانوار و افراد تحت تکفل او را اداره کند، بنابراین حد عرف به میزان برداشت و میزان محصول و نوع محصول و بسیاری از پارامترهای دیگر که در منطقه وجود دارد بستگی دارد.

بنابراین هرچه درآمد پائین بیاید مقدار زمین بالا می‌رود که در مجموع که بررسی کنیم مقدار درآمد بعد از کسر کلیه هزینه‌ها بتواند یک خانوار روستائی را تأمین کند. میزان واگذاری زمین طبق قانون یک عرف محل برای یک خانوار بوده است. البته جدیداً با مصوبه هیئت دولت، هیئتها این اختیار را پیدا کرده‌اند تا در مکانهایی که زمین به مقدار زیاد وجود دارد بطوری که نیاز اهالی منطقه برآورده بشود و مازاد بر آن را بتوانند غیر بومی‌ها و کسانی که در خود منطقه هستند که طرح و برنامه‌های گسترش داشته باشند، بیشتر از عرف محل واگذار کند که ضوابط آن بعداً اعلام می‌شود. در خاتمه من دو توصیه به کشاورزان و مسئولین عرض می‌کنم. ما باید کشاورزی کشور را جهت دهیم، اکنون

وقتی موضوع را بررسی میکنیم می‌بینیم که آنان مستضعف واقعی نیستند، مثلاً در استان فارس در اینگونه زمینها درختکاری می‌کنند، در زمینی که باید قوت مملکت را بدهد.

نکته بعدی در رابطه با هیئتها و واگذاری زمین است، هیئتها و واگذاری مانند موسس خودشان، «شهید مظلوم بهشتی عزیز»، مظلوم واقع شده‌اند و با توجه به اینهمه خدماتی که در کل کشور انجام داده‌اند، از جمله ۵۰۰ هزار هکتار زمین را احیا کرده‌اند که بصورت تعاونی مشاع اداره می‌شود، نزدیک به ۲۰۰ هزار هکتار برای کارهای صنعتی و دامداری واگذار شده است، شاید بیش از ۴۰۰۰ حلقه چاه حفر کرده‌اند، در حدود ۲۰ هزار دستگاه ماشین‌آلات کشاورزی اعم از موتور پمپ، تراکتور، قطعات اساسی و تریلر و غیره بین کشاورزان توزیع کرده‌اند و بسیاری از کارهای دیگر انجام داده‌اند، که هیچگاه این فعالیتها مورد توجه قرار نمی‌گیرد بلکه، در مواقعی که یکسری شکایتها و جو سازیها می‌شود فقط آنها را مورد توجه قرار می‌دهند و این کارهای اساسی که در کشور انجام شده است



خدماتی بصورت گسترده در اختیار جهاد و وزارت کشاورزی می‌باشد. اگر اینکار را خود ما انجام می‌دادیم ما هم باید در کنار جهاد و وزارت کشاورزی برنامه کشاورزی را پیشنهاد می‌دادیم که این به صلاح نبود و بنابراین انتظار ما از این دودستگاه مهم و مؤثر در کشاورزی این است که تعاونیهای مشاع را بیش از پیش مورد دلف و توجه خود قرار دهند تا بتوانیم یکسری از نارسائیهها و نابسامانیهایی که از گذشته به ارث رسیده را از این طریق رفع کنیم.

س: حد عرفی که برای واگذاری زمین در نظر گرفته‌اید چه میزانی است؟  
ج: بهتر است که ابتدا عرف محل را تعریف کنیم و بعد به سئوالتان جواب دهیم، عرف محل طبق قانون مقدار زمینی است که بعد از کسر هزینه کاشت و داشت و برداشت و کلیه

در زمینه کشاورزی هر کسی به سلیقه خود عمل می‌کند، کشاورزی بیشتر نیازمند است که نمایندگان مجلس در آن دخالت کنند و قوانین مورد لزوم را در ارتباط با زمین و دیگر مسائل مربوطه را تدوین کرده و به مسئولین اجرایی ارائه دهند. مسئولین اجرایی تجارب زیادی در قسمتهای مختلف دارند، منتها بایست که طبق قانون و ضابطه‌ای عمل بشود و آنگاه دیگر کسی عمل به رای خود نکند. مسئله زمین این نیست که یکسری اراضی را از اشخاص بگیریم و به اشخاص دیگر بدهیم، بلکه مسئله زمین در کل مورد بحث می‌باشد، حتی در مورد زمینهای موات، منابع ملی و دولتی که مسأله روی آن

حرف داریم، چرا که این اراضی مورد تجاوز و تاخت و تاز یکسری افراد قرار گرفته است که

را کسی بدان بها نمی‌دهد، کسی توجه نمی‌کند که ۹۶ هزار خانوار روستائی مالک زمین شده‌اند و اینها کسانی بوده‌اند که قبل از این در مملکت چیزی نداشتند و خودشان اظهار می‌کنند که قبلاً کسی ما را بحساب نمی‌آورد، بروند با اینها صحبت کنند و نظرشان را بپرسند و هرچه آنها گفتند ماقبول داریم و یازده هزار واحد تعاونی مشاع در کشور تشکیل شده است، اگر کسی دلش واقعا برای کشاورزی کشور می‌سوزد به این واحدها رسیدگی کند و میتواند کلیه برنامه‌های علمی و صنعتی را روی آنها پیاده کند و اگر به این فعالیتها توسط دستگاههای ذیربط رسیدگی شود می‌تواند تحولی در کشاورزی کشور بوجود آورد.

والسلام